

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات به معنای واقعی کلمه، جلسه ۲ بررسی‌های کتاب مقدس

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه، یا خدا. این جلسه دوم، کاوش‌های کتاب مقدس است.

ما به مطالعه خود در مورد آموزه خدا ادامه می‌دهیم.

کلمه الهیات به معنای کلام یا گفتمان یا مطالعه خداست. الهیات، بنابراین تمام الهیات با خدا سروکار دارد. الهیات به معنای واقعی کلمه، آموزه خود خداست.

پس از بهره‌گیری از مقدمه‌ی فرهنگی خوب دیوید ولز در کتاب «خدا در گردباد»، به سراغ آموزه‌ی تثلیث به معنای واقعی کلمه، یا در واقع حتی قبل از آن، می‌رویم. مقدمه‌ای که در آن به خدا و داستان کتاب مقدس فکر می‌کنیم و سپس به بررسی برخی از فرازهای کتاب مقدس می‌پردازیم. خدا در داستان کتاب مقدس. کتاب مقدس داستان باشکوه خلقت، هبوط، رستگاری و خلقت جدید یا کمال است.

خدا نویسنده داستان است، همانطور که آن را از ازل برنامه‌ریزی کرده است، افسسیان ۱:۱۱. خدا همچنین شخصیت اصلی است و داستان بر خدا و نحوه ارتباط او با ما تمرکز دارد. خدا به عنوان خالق، ما را می‌سازد خدا به عنوان خداوند عهد، طرف رنجیده شده است وقتی که ما شورش می‌کنیم. خدا به عنوان نجات‌دهنده، ما را در عیسی نجات می‌دهد. و به عنوان پیروز، خدا تضمین می‌کند که عدالت پیروز خواهد شد و او خلقت جدید خود را به ارمغان خواهد آورد. خدا خالقی است که آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنهاست را می‌سازد.

پیدایش ۱:۳۱ و ۲:۱. پیش از آنکه فضا، زمان یا ماده وجود داشته باشند، خدای ابدی از قبل وجود داشته است. خدا بدون استفاده از مواد از پیش موجود، آزادانه، با لطف و قدرت، هر آنچه را که هست به وجود می‌آورد. او این کار را با کلام خود انجام می‌دهد، پیدایش ۱، مزمور ۳۳، آیات ۶ و ۹. این متن بسیار زیبایی است.

آیه ۶، «به کلام خداوند آسمان‌ها ساخته شدند. و به نفخه دهان او، تمامی، ESV مزمور ۳۳، از روی ترجمه لشکر آنها.» آیه ۹، زیرا او گفت و آن پدید آمد.

او فرمان داد و آن پابرجا ماند. خدا نه تنها با کلام خود می‌آفریند، بلکه با کلام خود نیز حفظ می‌کند. کولسیان همه چیز به وسیله مسیح قوام می‌یابد یا به هم متصل می‌شود، ۱:۱۶.

عبرانیان ۱:۳، مسیح: جالب است که هر دوی این متون، مسیح‌شناسی هستند. آنها از خدای پدر صحبت نمی‌کنند، بلکه از خدای پسر. او همه چیز را با کلام قدرتمند خود یا با کلام قدرت خود حفظ می‌کند.

این همان متن است. خدا نیز جهان خود را اداره می‌کند و آن را به طرز مرموزی به سمت اهداف خود هدایت می‌کند. افسسیان ۱:۹ و ۱۰، این دو جنبه از مشیت الهی هستند.

حفظ و حکومت. حفظ، یعنی خدا از جهانی که خود آفریده محافظت می کند و آن را حفظ می کند. حکومت، یعنی خدا جهان را به سوی اهداف، مقاصد و جلال خود هدایت می کند.

افسیان ۱:۹ و ۱۰ به طرز شگفت آوری فراگیر است. خداوند راز اراده خود را بر ما آشکار کرده است. طبق هدف خود، که آن را در مسیح، به عنوان طرحی برای کمال زمان، برای متحد کردن همه چیز در او، چه در آسمان و چه در زمین، مطرح کرد. افسسیان ۱:۹ و ۱۰. بنابراین، همه چیز متعلق به خداست و او شایسته پرستش ماست.

مکاشفه ۴:۱۱، این سرود ستایش خداست. ای خداوند و خدای ما، تو شایسته ای که جلال و افتخار و قدرت را دریافت کنی. زیرا تو همه چیز را آفریدی و به اراده تو، آنها وجود یافتند و آفریده شدند.

اوج کار خلاقانه خدا، آفریدن آدم و حوا به تصویر اوست. او آنها را مقدس می سازد و برکت می دهد تا بتوانند او را بشناسند، دوست داشته باشند و با ذهن، بدن و زندگی خود به او خدمت کنند. او پروردگار آنهاست و آنها باید به عنوان اربابان کوچک، خادمان خلقت نیکوی او عمل کنند.

او آنها را در رابطه ای مناسب با خود، یکدیگر و جهانش می سازد. آنها باید شکوه نام خالق خود را تا ابد ستایش کنند. مزمو ۸، ۱ و ۹، ای خداوند، پروردگار ما، نام تو در تمام زمین چه باشکوه است.

متأسفانه، آدم و حوا علیه او شورش کردند. آنها کلام خدا را رد کردند و به او وفادار نبودند. شورش آنها رابطه آنها را با او، یکدیگر و جهان مختل کرد.

شورش آنها بی نظمی و درد را به خلقت خوب خدا می آورد. آنها به یک نجات دهنده نیاز دارند و خدا، به لطف رحمت خود، فوراً وعده ی نجات را می دهد. او قبل از اخراج آدم و حوا از باغ عدن، اولین وعده ی نجات، به اصطلاح پروتو-اونگلیون، را در پیدایش ۳:۱۵ می دهد. مار، ذریه پاشنه ی مریم را خواهد کوبید، و ذریه مریم سر او را خواهد کوبید، و ضربه ی مهلکی به او خواهد زد.

تنها خدا خالق، نگهدارنده و نجات دهنده است. هیچ کس دیگری وجود ندارد. او به ابراهیم وعده می دهد و با او و فرزندانش وارد یک رابطه نجات بخش، یک عهد، می شود.

او وعده می دهد که نسل ابراهیم، نجات دهنده خواهد بود، غلاطیان ۳:۱۶. خدا نام نوه ابراهیم، یعقوب، را به اسرائیل تغییر می دهد و از او ۱۲ قبیله را به وجود می آورد که از یکی از آنها نجات دهنده، یهودا، را خواهد آورد. میکاه ۵:۲. در زمان مناسب، او دقیقاً همین کار را می کند. خدا پسر خود را فرستاد تا انسان شود، زندگی بی گناهی داشته باشد و به جای گناهکاران بمیرد.

خدا او را در روز سوم برمی خیزاند و به همه کسانی که به او اعتماد می کنند، وعده حیات جاودان می دهد. پس از صعود به سوی پدر، عیسی روح را بر کلیسا می ریزد و به آن قدرت می دهد تا انجیل را به اقصی نقاط زمین برساند. خدا در مرگ و رستاخیز پسرش بر گناه، مرگ، شیاطین، شیطان و جهنم پیروز می شود، کولسیان عبرانیان ۲:۱۵. در بازگشت مسیح، خدا مردگان را زنده می کند، انسان ها و فرشتگان را در آخرین داوری، ۲:۱۰ داوری می کند، مردم را به سرنوشت ابدی شان می فرستد و همه چیز را تحت سلطه خود قرار می دهد، اول، قرنیتیان ۱۵:۲۸، فیلیپیان ۳:۲۱. خدا برای ابدیت در میان قوم خود در زمین جدید ساکن خواهد شد و غم درد و مرگ را از بین خواهد برد.

مکاشفه ۲۱، یک تا چهار، من این را به عنوان نتیجه گیری از خدا در داستان کتاب مقدس می خوانم. یوحنا با نقل قول از اشعیا ۶۵ می نویسد: «و من آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم. زیرا آسمان و زمین اول از بین رفته». بودند و دریا دیگر وجود نداشت

و شهر مقدس، اورشلیم جدید، را دیدم که از آسمان از جانب خدا نازل می شد، آماده شده مانند عروسی که برای شوهرش آراسته شده باشد. و از تخت، صدای بلندی شنیدم که می گفت: «اینک، مسکن خدا با آدمیان». است. او با ایشان ساکن خواهد شد و ایشان قوم او خواهند بود

و خود خدا با ایشان خواهد بود، چون خدای ایشان. او هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد و دیگر مرگ نخواهد بود. دیگر ماتم و ناله و درد نخواهد بود، زیرا چیزهای اول در گذشته است

اکنون به سراغ خدا در متون منتخب می رویم. با توجه به اینکه می خواهیم قبل از نظام مند کردن، و قبل از استخراج الهیات از این متون و متون دیگر، با کلیات موضوع آشنا شویم، می خواهیم به برخی از متون مهم نگاهی بیندازیم تا تفکر خود را در مسیر درست قرار دهیم. متونی را بررسی خواهیم کرد که خدا را به عنوان خالق متعال به تصویر می کشند

من هستم» با آزادی و وفاداری مشخص می شود. او قانونگذاری مهربان، عادل و حسود است. او عظمتی» بی حد و حصر دارد و نامی باشکوه و پرفیض

او دانای کل است و در همه جا برای قوم خود حضور دارد. او خدای بزرگ و الهام بخش است که با وجود لجاجت آنها، به عهد خود با آنها وفا می کند. او یهوه، پروردگار عهد است که گناه را مجازات می کند و سرشار از عشق است

او پدر بخشنده و قاطع ماست. در واقع، او تثلیث مقدس پدر، پسر و روح القدس است، پیدایش ۱. پیدایش با قاطعیت اعلام می کند که خدا خالق همه چیز است. همانطور که انجام می دهد، ماهیت خدا را برجسته ۱ می کند

خدا پادشاهی است که با اقتدار فرمان می دهد، بگذار باشد، و خلقت بارها و بارها اطاعت می کند. پیدایش آیه ۶، آیه ۱۴، همچنین به آیات ۹، ۱۱، ۲۰، ۲۴، ۲۶ مراجعه کنید. خدا منحصر به فرد و متمایز از ۱:۳. خلقت خود است

او خورشید، ماه، ستارگان، حیوانات و انسان ها را می آفریند. او آنها نیست. این پادشاه مقتدر و مستقل نیز نیکوست

او می بیند که آنچه می آفریند نیکوست، حتی بسیار نیکو. ۱:۴، ۱:۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۳۱:۱. خدا شخصی است و انسان ها را به صورت شخصی و پیچیده ای به تصویر خود می سازد

تا ۳۱ از پیدایش ۱. آنگاه خدا گفت: «آدم را به صورت خود و شبیه خود بسازیم. و او بر ماهیان دریا و ۱:۲۶ پرندگان آسمان و چارپایان و بر تمامی زمین و هر خزنده ای که بر زمین می خزد، حکومت کند.» پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. و خدا ایشان را برکت داد

و خدا به آنها گفت، بارور و کثیر شوید و زمین را پر کنید و در آن تسلط یابید. و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و هر موجود زنده‌ای که بر زمین حرکت می‌کند، حکومت کنید. خدا فعال است، نه تنها جهان را می‌آفریند، بلکه قبل و بعد از سقوط با آن تعامل دارد.

خداوند در حال انجام یک مأموریت است، او انسان‌ها را خلق می‌کند تا او را دوست داشته باشند و به او خدمت کنند، و همچنین خلقت را به سمت تحقق اهداف مورد نظرش هدایت کند. برخی از آنها را من همین الان خواندم، از ۱ تا ۲۶ تا ۳۱. چنین حقایقی در مورد خدا به ما نشان می‌دهد که او تنها خالق همه چیز است. در مقابل طبیعت‌گرایی و الحاد.

طبیعت‌گرایی دیدگاهی است که می‌گوید هر چه هست، طبیعت است. بنابراین، طبیعت‌گرایی ضد ماوراءالطبیعه‌گرایی است. این دیدگاه، نقطه مقابل ضد ماوراءالطبیعه‌گرایی است.

این نقطه مقابل ماوراءالطبیعه‌گرایی است. طبیعت‌گرایی ضد ماوراءالطبیعه‌گرایی است. البته، الحاد انکار وجود خداست.

علاوه بر این، او خدای حقیقی است، برخلاف خدایان مصر، خاور نزدیک باستان و بسیاری دیگر از خدایان امروزی. او از خلقت خود جداست و در مقابل آنیمیسیم و پانتئیسیم قرار دارد. آنیمیسیم می‌گوید در همه چیز روح وجود دارد.

هر موجودی در درون خود روح دارد. پانتئیسیم، خدا و خلقت او را با هم اشتباه می‌گیرد. در واقع، همه چیز خداست و خدا بخشی از همه چیز است.

خدا در مقابل پانتئیسیم، که نسخه معتدل‌تر پانتئیسیم است، نامتناهی است. این مکتب می‌گوید خدا همه چیز نیست، بلکه جهان بدن خداست و خدا در همه چیز است و او برای خدا بودن به جهان نیاز دارد. او چنین رابطه‌ای با جهان دارد.

خدا شخصی و فعال است، برخلاف دئیسم. این دیدگاه که خدا جهان را آفریده و سپس رها کرده، اصولی را در آن گنجانده تا به خودی خود اداره شود. ساعت‌ساز پیر نمونه‌ای از این دیدگاه است.

خدا ساعت را ساخته. او آن را به کار انداخته، و گمان می‌کنم که مشغول کارهای مهم‌تری است. او شخصاً درگیر این دنیا نیست.

اجداد ما، برخی از آنها مسیحیان انجیلی بودند، برخی دیگر دئیست. توماس جفرسون به خاطر کتاب مقدس جفرسون مشهور است که شامل سخنان اخلاقی عیسی است، با معجزاتی که از انجیل‌ها حذف شده‌اند، زیرا خدا چنین کارهایی نمی‌کند. ما بهتر از آن می‌دانیم که دئیست‌ها و دئیسم ادعا می‌کنند.

برعکس، خدا شخصی و فعال است، و دیدگاه کتاب مقدس در مورد رابطه کنونی با خدا و جهان‌ش نه پانتئیسیم است که خدا و جهان‌ش را با هم اشتباه می‌گیرد، و نه دئیسم که خدا را از جهان‌ش جدا می‌کند، بلکه خلقت و مشیت است که به موجب آن خدا در جهان خود حضور دارد، آن را حفظ می‌کند و به سمت اهداف خود هدایت می‌کند. هم حفظ و هم حکومت دو جنبه از مشیت هستند. علاوه بر این، همانطور که بعداً خواهیم دید، او هم متعالی از جهان خود است، هم از این نظر کاملاً متفاوت است، و هم قریب‌الوقوع و حاضر در جهان خود است.

به عبارت دیگر، او خداست. خدا از خلقت خود جداست، مخالف آنیمیسیم و پانتئیسم است، او نامتناهی است در مقابل پانتئیسم، او شخصی و فعال است در مقابل دئیسم، و او خیر است در مقابل دوگانه‌گرایی. دوگانه‌گرایی این دیدگاه است که در واقع خدایی وجود دارد، اما خیر و شر اصول ابدی هستند.

جنگ ستارگان این الهیات را منعکس می‌کند، جنگ ستارگان جهان‌بینی و کیهان‌شناسی زرتشتی را منعکس می‌کند. به یاد داشته باشید، این نیرو یک جنبه تاریک و یک جنبه روشن داشت. ممکن است برای یک داستان خوب باشد، اما حقیقت مقدس خدا نیست.

خدا و ذات او خطوط کلی ایمان مسیحی ما را تعیین می‌کنند، و ما با پیدایش ۱ و ۲ و ۳ شروع به تفکر در مورد خدا و ذات او می‌کنیم. خروج ۱۳:۳ و ۱۴ تأثیر شگرفی بر تاریخ آموزه خدا گذاشته است. وقتی خدا موسی را برای نجات قومش منصوب می‌کند، موسی از خدا نام او را می‌پرسد. خدا پاسخ می‌دهد، من همانم که هستم.

این است آنچه باید به بنی اسرائیل بگوییم. من خود را نزد شما فرستاده‌ام. همچنین خدا به موسی گفت. خداوند، خدای پدران، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب، این نام من برای همیشه خواهد بود.

اینگونه است که در هر نسلی مرا به یاد خواهند داشت. خروج ۳، ۱۴ و ۱۵. این وحی به موسی، واسطه عهد سینا، عهد موسی، عهد عتیق، بسیار مهم است زیرا با آن، خداوند هویت خود را با کلام خود برای همیشه اعلام می‌کند.

اول، خدا اعلام می‌کند که او هست، من هستم. او از همان فعلی که در وعده‌اش برای بودن با قومش در آیه آمده است، استفاده می‌کند و به آنها وعده وفاداری به عهد خود را می‌دهد. دوم، من هستم از فعل بودن ۱۲ گرفته شده است که آزادی مطلق خدا را نیز آشکار می‌کند.

«او به بنی اسرائیل وابسته نیست، بلکه آنها به او وابسته‌اند. سوم، خدا به جای «من هستم» از «یهوه» است. این «GOD» و گاهی با حروف بزرگ «LORD» استفاده می‌کند که به معنی «خداوند» با حروف بزرگ. یک رسم کتاب مقدسی در ترجمه کتاب مقدس از زمان ویکلیف است.

من در مورد این حقیقت مطمئن نیستم. فکر می‌کنم شاید جان ویکلیف. خدا می‌گوید که او خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب است.

او خداوندی است که به عهد خود با قومش وفا می‌کند. به عبارت دیگر، او در عهد بستن با ابراهیم، به قومش وفادار است، عهد اولیه عهد عتیق که در عیسی مسیح به انجام می‌رسد و به عهد جدید تبدیل می‌شود. خداوند به طرز شگفت‌آوری خود را به قومش متعهد می‌کند تا خدای آنها باشد و آنها را قوم خود می‌داند.

من خدای تو خواهم بود و تو قوم من خواهی بود. خروج ۱۹ و ۲۰، خدا همچنین ذات خود را در ده فرمان آشکار می‌کند. این حقایق معروف، وفاداری و عشق خدا به عهد را برجسته می‌کنند، همانطور که سخنان او به موسی نشان می‌دهد.

«شما دیده‌اید که من با مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بال‌های عقاب حمل کرده و نزد خود آوردم.» خروج ۱۹:۴. خدا ستمگران اسرائیل را ریشه‌کن می‌کند، قوم خود را رهایی می‌دهد و با آنها رابطه برقرار می‌کند در واقع، او خود را به عنوان نجات‌دهنده آنها معرفی می‌کند. «من خداوند خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر، از محل بردگی بیرون آوردم.» خروج ۲۰ و آیه ۲. اراده خدا برای برکت دادن، بر تمایل او برای مجازات کردن غلبه می‌کند، زیرا او می‌گوید که ممکن است چند نسل، سه و چهار نسل را مجازات کند، اما به

هزاران نسل از کسانی که او را دوست دارند و احکام او را حفظ می‌کنند، عشق و محبت وفادارانه نشان می‌دهد.

او داوری می‌کند، اما همانطور که لوتر گفت، کار درست خدا داوری نیست. این کار عجیب اوست. او این کار را انجام می‌دهد، اما کار درست او، کار، آرزوی قلبش برکت دادن است.

برای کسانی که او را دوست دارند و از فرامین او پیروی می‌کنند، مسئولیت انسانی بخشی از آموزه‌های کتاب مقدس است. این مسئولیت نهایی نیست، اما واقعی و مهم است. خداوند منحصر به فرد بودن و برتری خود را در ممنوعیت پرستش خدایان دیگر اعلام می‌کند، آیه ۳. ذات خدا به عنوان روح واضح است، زیرا تجسم‌های فیزیکی او ممنوع است، آیه ۴. خدا تنها کسی است که شایسته پرستش است.

او به طور شایسته‌ای نسبت به محبت ما غیرت دارد و کسانی را که مرتکب بت‌پرستی می‌شوند، داوری می‌کند. آیات ۵ و ۶. خدا مقدس است و می‌خواهد که با نامش چنین رفتار شود، آیه ۷. او خالقی است که استراحت کرد و از قومش می‌خواهد که به احترام روزی و سروری او استراحت کنند، آیات ۸ تا ۱۱. خدا نیکو است، قوم خود را با خانواده برکت می‌دهد و از آنها انتظار دارد که به والدین خود احترام بگذارند، آیه ۱۲. او خالقی است که زندگی می‌بخشد و پروردگار اوست که بر زندگی فرمانروایی می‌کند و به کسی اجازه قتل نمی‌دهد، آیه ۱۳.

خدا نیکوست، ازدواج را فراهم می‌کند و زنا را ممنوع می‌کند، آیه ۱۴. خدا راستگو است و با شهادت دروغ مخالف است، شهادت دروغ، آیه ۱۶. او سخاوتمند است، به اندازه کافی به ما روزی می‌دهد و از ما می‌خواهد که نه دزدی کنیم و نه به آنچه به دیگران داده است طمع بورزیم، آیات ۱۵ و ۱۷ از خروج ۲۰.

خروج ۱۹ تا ۲۰ روشن می‌کند که خدا ما را فرا می‌خواند تا مطابق ذات او زندگی کنیم. قداست او باید در قداست ما منعکس شود، ۱۹:۵ و ۶. خداوندگاری جهانی او ماموریت جهانی ما را شکل می‌دهد، آیات ۵ و ۶. ذات او پرستش ما را شکل می‌دهد، ۲۰:۳ تا ۱۱. خوبی، سخاوت، حقیقت و عشق او باید در پرستش ما منعکس شود.

اینها متون اساسی و بنیادین هستند. بنابراین، شما باید بگویید، خروج ۱۹:۳، خدا به موسی می‌گوید، به خاندان یعقوب و به قوم اسرائیل، شما خود دیده‌اید که من با مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بال‌های عقاب حمل کردم و نزد خود آوردم. اکنون، اگر واقعاً از صدای من اطاعت کنید و عهد مرا نگه دارید، شما گنجینه من در میان همه مردم خواهید بود، زیرا تمام زمین از آن من است و شما برای من پادشاهی کاهنان و ملتی مقدس خواهید بود.

اینها سخنانی هستند که باید به قوم اسرائیل بگویید. سخنان قابل توجهی هستند. دارایی‌های ارزشمند، از دارایی‌های ویژه یک پادشاه سخن می‌گویند.

پادشاه همه چیز را مدیون است، اما پادشاه گنجینه‌های خاصی دارد که آنها را برای خود نگه می‌دارد. این زبانی است که اینجا استفاده می‌شود. خدا پروردگار تمام زمین است.

دقیقاً همین را می‌گوید. تمام زمین از آن من است، و با این حال او اسرائیل را به عنوان دارایی ارزشمند خود و پادشاهی کاهنان انتخاب می‌کند. از ابتدا، خدا قصد داشت که قومش مبلغان مذهبی باشند و دانش نام او را در سراسر خاور نزدیک باستان گسترش دهند.

اسرائیل در آن مأموریت شکست خورد، اما این هدف اصلی خدا بود. او خدایی مبلغ است. آنها قرار بود پادشاهی کاهنان باشند که دانش خدا را گسترش دهند، زیرا اسرائیل مرکز تجارت و بازرگانی بود و نفوذ زیادی بر خدا و پادشاهی او داشت یا می‌توانست داشته باشد.

آنها قرار بود یک ملت مقدس باشند. به یک معنا، آنها ملتی مقدس هستند که توسط خدا جدا شده‌اند. به معنای دیگر، آنها قرار است همان چیزی باشند که او آنها را جدا کرده است.

در مطالعات عهد جدید، ما آن را وجه خبری و وجه امری می‌نامیم. آنها قوم او هستند و قرار است قوم او باشند. یک بار دیگر، تا حد زیادی اسرائیل در انجام وظیفه‌ای که خدا به آنها محول کرده بود، شکست خورد.

هدف ما در حال حاضر سرزنش اسرائیل نیست، بلکه تأکید بر شخصیت خدا در بررسی برخی از آیات است. ما از بررسی‌های کتاب مقدس برای دیدن عمق آب در جاهای مختلف استفاده می‌کنیم. خروج ۳۴: ۵ تا ۸ به اندازه هر بخش دیگری از کتاب مقدس در مورد شخصیت خدا مهم است و تأثیر آن بر بقیه کتاب مقدس بسیار زیاد است.

خروج ۳۴ شامل مکاشفه‌ای بنیادین از شخصیت خداست. پس از اینکه موسی با جسارت درخواست کرد که جلال خدا را ببیند، جلال خود را به من نشان بده. کلام من

خدا می‌گوید، هیچ‌کس نمی‌تواند روی مرا ببیند و زنده بماند. اما به موسی اجازه می‌دهد پشت سرش را ببیند به اصطلاح. این عبارت از این می‌گوید که خدا به موسی اجازه داده نگاهی اجمالی به او داشته باشد، نه یک رؤیای تمام‌عیار که موسی را درجا بکشد.

موسی با جسارت درخواست می‌کند که جلال خدا را ببیند. خروج ۳۴، خدا با لطف، بخشی از آن را به او وحی می‌کند. ۲۱: ۳۳ تا ۲۳، او را در صخره پنهان می‌کند و به اصطلاح آن را با دست خود می‌پوشاند و می‌رود، و موسی عواقب خدا، به اصطلاح پشت خود را می‌بیند.

با این وجود، این یک وحی کوچک از جانب خداست. موسی در واقع به عنوان واسطه عهد عتیق مورد احترام قرار می‌گیرد. سپس خدا نام او را اعلام می‌کند.

این یک متن اثبات کتاب مقدس است که نشان می‌دهد نام خدا به معنای شخصیت و هویت اوست. خدا نام و هویت خود را به او اعلام می‌کند، و من از خروج ۳۴: ۶ تا ۷ از کتاب مقدس استاندارد مسیحی نقل قول می‌کنم. باید اشاره می‌کردم که این متن از کتاب الهیات مسیحی سیستماتیک کریستوفر مورگان است که من در است، بنابراین از کتاب B&H Broadman and Holman نوشتن آن به او کمک کردم و برای انتشارات مقدس استاندارد مسیحی آنها استفاده می‌کند که تا حد زیادی خوب است.

را ترجیح ESV خوب نیست، آن را نقل می‌کنم، اما در کل ترجمه خوبی است. من ESV چند جایی که ترجمه می‌دهم، به اندازه کافی گفته شده است. خروج ۳۴: ۶ و ۷، خداوند خدایی دلسوز و مهربان است، دیرخشم و سرشار از عشق و راستی، که عشق وفادارانه را تا هزار نسل حفظ می‌کند، گناه، عصیان و سرکشی را می‌بخشد اما گناهکار را بی‌مجازات نخواهد گذاشت و گناه پدر را بر فرزندان و نوه‌ها تا نسل سوم و چهارم تحمیل می‌کند.

خروج ۳۴:۶ و ۷، خدا خود را به عنوان یهوه، خداوند عهد، که سرشار از رحمت و فیض است، آشکار می‌کند. او توضیح می‌دهد که نسبت به گناه و گناهکاران خشمگین است، اما صبور و دیرخشم است. او مقدس است و باید گناه را مجازات کند، و سرشار از عشق و وفاداری است.

او گناه، عصبان و گناه را می‌بخشد. چرا از سه اصطلاح استفاده شده؟ سه بخش مجزا؟ نه، نه. کاملاً مترادف؟ نه، اما برای تأکید است.

این نوع خدایی است که او دارد. او گناه، عصبان و گناه را می‌بخشد. خدا نسل‌های بعدی کسانی را که از او متنفرند و به اعمال شیطانی والدین خود ادامه می‌دهند، مجازات می‌کند.

این فکر است، اما او وفاداری و عشق به عهد خود را برای هزاران نسل به قوم خود نشان می‌دهد. آیا خدا عادل و مقدس است؟ بله. آیا خدا مهربان و بخشنده است؟ بله و آمین.

ما اولی را انکار نمی‌کنیم، اما دومی تأکید است. دومی قلب کلام است. یوحنا ۳، خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه تا جهان از طریق او نجات یابد.

آیا خدا ما را محکوم خواهد کرد؟ بله، او ما را محکوم خواهد کرد. آیا این خواست اوست؟ خیر. عشق خدا نسبت به ما سرشار است و او مصمم است که به وعده عهد خود با ما عمل کند.

مزمور ۱۳۹. من عاشق مزمور ۱۳۹ هستم. به طرز شگفت‌آوری، کتاب مقدس به قوم خدا می‌گوید که خالق آسمان‌ها و زمین را خدای خود و پروردگار خود بنامند.

مزمور ۹۹:۵، ۱۴۷:۱-۵. ۹۹:۵، ۱۴۷:۱-۵. خدا با ما پیمان می‌بندد، وعده می‌دهد که خدای ما باشد و ما را قوم خود می‌داند. در مزمور ۱۳۹، داوود همزمان حقایق حیاتی درباره خدا را هم از نظر جهانی و هم از نظر شخصی بیان می‌کند. همانطور که قوم خدا عظمت او را می‌خوانند، مزامیر کتاب سرود اسرائیل باستان هستند.

آنها اعلام می‌کنند که به عنوان یک قوم، به صورت دسته جمعی، به او تعلق دارند و او نیز به آنها تعلق دارد. خدا که همه چیز را می‌داند، قوم خود را از نزدیک می‌شناسد. آیات ۱-۵.

او از کارهای روزمره، رفت و آمدها و سخنانشان قبل از اینکه آنها چیزی بگویند، آگاه است. همانطور که دانش او بر آنها احاطه دارد، دلسوزانه دست خود را بر آنها می‌گذارد، مانند والدینی مهربان بر فرزند یا پدربزرگ و مادربزرگی مهربان بر نوه. سن من این را به من نشان می‌دهد.

مزمور با اعلام این جمله ادامه می‌یابد: «خدا در همه جای دنیا حضور دارد و همه جا با کسانی است که او را دوست دارند.» این جمله به طور غیرمعمولی با ضمیر اول شخص مفرد بیان شده است. «خدا مرا می‌شناسد.»

خدا با من است. خیلی زیباست. همانطور که بنی اسرائیل آن را به صورت دسته جمعی می‌خوانند، این در مورد آنها به عنوان یک گروه صادق است، اما در مورد هر قلب مؤمنی که فیض خدا را در گروه می‌شناسد، صادق است.

آیات ۷-۱۲. خدا در همه جای دنیا هست، اما او همه جا با من است. داوود تصور می‌کند که می‌خواهد از خدا دور شود، اما این را غیرممکن می‌یابد.

، اگر او به بالای ابرها صعود کند یا به اعماق قبر فرورود، خدا آنجاست. چه به شرق سفر کند و چه به غرب، خدا آنجاست. اگر سعی کند در تاریکی پنهان شود، غیرممکن است، زیرا خدا در همه جا حضور دارد.

همانطور که بعداً خواهیم دید، او در همه جا حاضر است. ما مؤمنان هر کجا که برویم، خدا آنجا با ماست تا ما را هدایت کند و با محبت ما را در دست خود بگیرد. دوباره آن حس شخصی وجود دارد.

چه مزمور زیبایی! مزمورنویس ادامه می‌دهد و از این که خدا، خالق آسمان‌ها و زمین خود، خالق هر انسانی نیز هست، ابراز خوشحالی می‌کند. او ما را وقتی بی‌شکل بودیم می‌بیند و در رحم مادرمان ما را به هم پیوند می‌دهد. مزمور ۱۳: ۱۳۹ و ۱۶.

این دلالت بر تداوم شخصیت برای کودک در رحم و انسانی دارد که به عنوان یک کودک از رحم متولد می‌شود. خداوند ما را به طرز شگفت‌آوری و خارق‌العاده‌ای می‌آفریند و هر یک از روزهای ما را قبل از تولد برنامه‌ریزی می‌کند. مزمور ۱۳۹، ۱۴ و ۱۶.

این مزمور شگفت‌انگیز، حقایق جهانی را در مورد خدا تعلیم می‌دهد. او دانای کل، حاضر در همه جا، خالق همه چیز و مقدس است. دانای کل، حاضر در همه جا، خالق قادر مطلق و خدایی مقدس.

در عین حال، داوود این حقایق را شخصی‌سازی می‌کند. خدا نه تنها دانای کل است، بلکه همه چیز را در مورد ما می‌داند. در واقع، این را من می‌گویم.

، او نه تنها همه جا حاضر است، بلکه با ما، حتی با من، نیز حضور دارد. او نه تنها خالق آسمان‌ها و زمین است، بلکه ما را در رحم مادرانمان نیز شکل داده است. خدا را شکر برای مادران.

او نه تنها مقدس است که دشمنانش را داوری خواهد کرد، بلکه ما را آنقدر دوست دارد که ما را به شرات درونمان محکوم کند تا بتوانیم به آن اعتراف کنیم و با او همراه شویم. خدا نه تنها خدای حقیقی و زنده است، بلکه خدای ما نیز هست و ما قوم او هستیم. به همین دلیل، هنگام توصیف صفات خدا، صرفاً نمی‌گوییم که خدا مقدس است؛ بلکه می‌گوییم یا خدا مهربان است، بلکه گاهی اوقات می‌گوییم خدای ما مقدس است و خدای ما مهربان است، که این به ما یادآوری می‌کند که با خدا عهد بسته‌ایم و او در واقع خدای شخصی ماست.

او نه تنها این است، بلکه خدای همه است، بلکه خود را در پسرش به ما سپرده است. این عبارات هم به این معنی است که او در ذات خود مقدس و مهربان است، چه چیزی خلق کرده باشد و چه همه چیز، و هم اینکه او از آن ماست و ما از آن او هستیم زیرا او آفرید، و نجات داد، و نگه می‌دارد. مزمور ۱۴۵

این مزمور به یک شکل آغاز و پایان می‌یابد، و در ستایش خداست. ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال می‌خوانم و نام تو را تا ابد ستایش می‌کنم. هر روز تو را ستایش خواهم کرد.

نام تو را تا ابد ستایش خواهم کرد. مزمور ۱۴۵: ۱ و ۲. آیه ۲۱. دهان من ستایش خداوند را اعلام خواهد کرد.

هر موجود زنده‌ای نام مقدس او را تا ابد متبارک بخواند. علاوه بر این، سراسر مزمور سرشار از ستایش است. «این شایسته است زیرا» خداوند بزرگ است و بسیار ستوده می‌شود. عظمت او کاوش‌ناپذیر است

آیه ۳. داوود کمالات فراوان خدا، از جمله عظمت (آیات ۳ تا ۶)، عدالت (آیات ۷ و ۱۷)، شفقت (آیه ۹)، قدرت (آیات ۴، ۶، ۱۱ و ۱۲)، و وفاداری (آیات ۱۳ و ۱۷) را ستایش می‌کند. او مهربانی خدا را به شیوه‌ای یادآور خروج ۳۴: ۶ و ۷ تحسین می‌کند.

خداوند بخشنده و مهربان است، دیرخشم و بسیار مهربان. «مزمور ۸: ۱۴۵. او خوبی خدا و سخاوت او را» نسبت به همه مخلوقاتش شرح می‌دهد. خداوند به همه کسانی که در راه خدا می‌افتند کمک می‌کند.

او همه ستمدیدگان را برمی‌خیزاند. همه چشم‌ها به تو دوخته شده است، و تو به موقع به آنها نان می‌دهی. دست خود را باز می‌کنی و آرزوی هر موجود زنده‌ای را سیر می‌کنی.

مزمور ۱۴۵، آیات ۱۴ تا ۱۶. خدا پادشاه الهی است. آیه ۱. آراسته به شکوه و جلال و جلال.

آیه ۵. او قادر به انجام کارهای شگفت‌انگیز است. آیه ۶. او سرشار از نیکی است. آیه ۷. او با همه مهربان و با همه مخلوقاتش، از جمله حیوانات، سخاوتمند است و آنها را با غذا برکت می‌دهد، زیرا از دست باز او می‌خورند.

آیات ۸، ۱۵ و ۱۶. پادشاهی او پر از جلال و شکوه. آیات ۱۱ و ۱۲، او هرگز پایان نخواهد یافت. آیه ۱۳. او به افراد خداترس و خدانشناس واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد.

او نزدیک است، فریادهای آنان را می‌شنود، نگرهانی می‌دهد، نجات می‌دهد و از همه کسانی که او را دوست دارند و از او می‌ترسند، محافظت می‌کند. آیات ۱۷ تا ۲۰. اما او همه شریکان را داوری می‌کند. آیه ۲۰.

نحمیا ۹. پس از آنکه مردم دیوارهای اورشلیم را بازسازی کردند و تبعیدیان از اسارت بازگشتند، عزرای کاتب تورات را خواند و مردم با گریه، اعتراف و پرستش پاسخ دادند. سپس لایوان مردم را در دعایی قابل توجه رهبری می‌کنند که بر تاریخ خدا با قومش و شورش مداوم آنها تمرکز دارد.

ستایش لایوان بسیار پرشور است. خداوند، خدای تو، از ازل تا ابد متبارک باد. نحمیا ۹: ۵. آنها او را به خاطر نام باشکوهش و به خاطر اینکه خدای یگانه و خالق همه چیز است، ستایش می‌کنند.

آیات ۵ و ۶. آنها او را به خاطر رفتار مهربانانه‌اش با قومش، به خاطر انتخاب ابراهیم، و بازگرداندن آنها به سرزمینشان از اسارت در ایران ستایش می‌کنند. لایوان وقایع بسیاری را در این بین بازگو می‌کنند، از جمله نجات قومش از مصر توسط خدا، دادن شریعت، تدارک و راهنمایی معجزه‌آسا در بیابان، قادر ساختن آنها به تصرف سرزمین موعود، هشدار دادن به پیامبران و رها نکردن آنها در اسارت. این خلاصه‌ای از تاریخ رستگاری است.

قابل توجه. نحمیا ۹. در کنار فهرست اعمال دلسوزانه خدا، فهرستی از رفتارهای نافرمان قوم او نیز آمده است. آنها شرور، متکبر، سرسخت، نافرمان، یاعی، بت پرست، کفرگو و قاتل هستند. آیات ۱۶، ۱۸، ۲۶، ۲۹، تا ۳۷، ۳۳ تا ۳۵. در مقابل، خدا عادل است. آیات ۸ و ۳۳. وفادار. آیات ۸ تا ۱۵ و ۳۳. بخشنده ۳۵، مهربان و دلسوز. دیرخشم. سرشار از عشق و وفاداری. آیه ۱۷.

دوباره شبیه خروج ۳۴ شده؟ این جمله در سراسر عهد عتیق آمده است. و صبور، آیه ۳۰. در پرتو لطف خدا و اعتراف قوم به گناه، آنها به صورت کتبی وارد یک توافق الزام‌آور می‌شوند.

نحمیا ۳۸:۹، و ۱۰، ۲۹. و به خدای بزرگ، قادر مطلق و الهام‌بخش که به عهد پرمهر خود وفا می‌کند، سوگند وفاداری یاد کنید. ۹، ۳۲.

یک بخش آخر. دانیال ۹. دانیال از نوشته‌های ارمیا می‌فهمد که تعداد سال‌های ویرانی اورشلیم ۷۰ سال خواهد بود. دانیال ۹، ۲. در نتیجه، او در دعا و اعتراف به درگاه خداوند متوسل می‌شود.

او قلب خود را در اعتراف به گناهان قومش می‌ریزد. آنها شیرانه عمل کرده‌اند، آیه ۱۵، و گناهکار نافرمانی هستند، آیات ۱۰، ۱۱، و ۱۴. بی‌وفایی و عصیان نسبت به خدا، آیات ۷ و ۹. علاوه بر این، آنها پیامبران خدا را رد می‌کنند، آیه ۶، و توبه نمی‌کنند، آیه ۱۳.

در نتیجه، خدا آنها را به شرمساری عمومی وا می‌گذارد. آیات ۷ و ۸. آنها را مایه تمسخر مردمان اطراف می‌کند، آیه ۱۶. دانیال به درگاه خداوند، خدای بزرگ و با هیبت، التماس می‌کند که با وجود لجاجت قومش به عهد مهربان خود وفادار است، آیه ۴. او عادل است، آیات ۷، ۱۴، ۱۶.

و سرشار از شفقت و بخشش، آیات ۹ و ۱۸. این امر با رهایی قومش از سرزمین مصر با دستی قوی، مشهود است. دانیال ۹، آیه ۱۵.

اگرچه اسرائیل فقط سزاوار خشم و غضب خداست، آیه ۱۶، دانیال از او، خدا، التماس می‌کند که به خاطر خداوند، به درخواست‌های او از طرف آنها و معبد ویران شده‌شان گوش دهد، آیه ۱۷. دانیال مصرانه به جلال خدا متوسل می‌شود. نقل قول، ما درخواست‌های خود را نه بر اساس اعمال صالح خود، بلکه بر اساس شفقت فراوان تو به حضور تو می‌آوریم. پروردگارا، بشنو. پروردگارا، ببخش. پروردگارا، گوش کن و عمل کن.

خدای من، به خاطر خودت، تأخیر مکن، زیرا شهر تو و قوم تو نام تو را بر خود دارند، آیات ۱۸ تا ۱۹. وقتی ما... من ادامه می‌دهم، زیرا فقط چند قسمت کوتاه وجود دارد. متی ۶، ۹ تا ۱۳.

عیسی در دعای نمونه معروف خود در متی ۶، به شش حوزه آیه‌ای می‌پردازد. اول، ما باید دعا کنیم که نام خدا، یعنی شخص او، به عنوان مقدس گرامی داشته شود، آیه ۹. دوم، عیسی به ما می‌گوید که برای آمدن پادشاهی خدا دعا کنیم. سوم، که ارتباط نزدیکی با دعا برای آمدن پادشاهی دارد، درخواست از پدران است که چه کسی در آسمان همانطور که در زمین است، انجام خواهد شد. ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.

پادشاهی تو بیاید، اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود. چهارم، عیسی به ما دستور می‌دهد که نان روزانه را از دست پدرمان بخواهیم، آیه ۱۱. نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما.

پنجم، ما باید دعا کنیم و بدهی‌های خود را ببخشیم، همانطور که ما نیز بدهکاران خود را بخشیده‌ایم، آیه ۱۲، ششم، عیسی به ما می‌گوید که از پدرمان بخواهیم ما را به جاهایی که ممکن است بلغزیم و بیفتیم ۱۲، هدایت نکنند. در عوض، ما باید از خدا بخواهیم که ما را از شیطان و شری که او ما را با آن وسوسه می‌کند، رهایی بخشد، آیه ۱۳.

این دعای ساده، مهم‌ترین جنبه‌های زندگی، از جمله جلال دادن خدا، آمدن پادشاهی او، انجام اراده او، غذای روزانه ما، بخشش مداوم و پیروزی بر شر را در بر می‌گیرد. اینها جنبه‌هایی از عشق پدرمان به ماست و راه‌هایی

هستند که می‌توانیم با زندگی بر روی زمین و با آگاهی از اینکه او پدر آسمانی ماست، به او احترام بگذاریم. عیسی از طریق این دعای کلاسیک، چیزهای زیادی در مورد خدا به ما می‌آموزد.

او پدر ما، پروردگار عهد قوم خود و پدر شخصی، مهربان و مقتدری است که با فرزندانش رابطه دارد. او در آسمان متعالی و در زمین حاضر است. او مقدس است، اما با این دنیای گناهکار نیز ارتباط دارد.

او پادشاهی با پادشاهی است. او شخصی با اراده و حاکم است، زیرا برای تحقق آن برنامه ریزی می‌کند. او نیکوست و نیازهای جسمی ما را برآورده می‌کند.

او بخشنده است و گناهان ما را می‌بخشد. او در هر قدم از مسیر با ماست، ما را به سوی تقدس هدایت می‌کند و از شرهایی می‌بخشد. من قصد دارم به طور خلاصه به آیات ۲۰ و ۲۱ از کتاب یهودا پردازم، زیرا این آیات، نتیجه‌گیری خوبی برای این بررسی از برخی از متون کتاب مقدس و مقدمه‌ای عالی برای موضوع تثلیث است.

یهودا خوانندگان خود را ترغیب می‌کند که برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، نقل قول کنند و بجنگند. یهودا، آیه ۳. زیرا معلمان بی‌خدا، فیض خدا را به شهوت تبدیل می‌کنند و در نتیجه مسیح را انکار می‌کنند. او این معلمان دروغین را به باد انتقاد می‌گیرد و به محکومیت قطعی آنها اشاره می‌کند، آیات ۵ تا ۱۹.

سپس او خوانندگان خود را ترغیب می‌کند که در پرتو آمدن دوباره مسیح، در ایمان، دعا و عشق خدا پایدار بمانند، آیات ۲۰ و ۲۱. وقتی یهودا خوانندگان خود را به پایداری تشویق می‌کند، تثلیث را نیز در نظر می‌گیرد؛ آنها باید در روح القدس دعا کنند، در عشق خدای پدر بمانند و با اشتیاق منتظر رحمت پروردگار ما عیسی مسیح باشند، نقل قول نزدیک، ۲۰ و ۲۱. یهودا تعلیم می‌دهد که هر یک از سه شخص تثلیث، خداست.

او این کار را با قرار دادن نام هر یک از آنها در نقشی که فقط خدا می‌تواند ایفا کند، انجام می‌دهد. ما باید فقط در خدا، در این مورد، در روح القدس دعا کنیم. ما باید خود را فقط در عشق خدا، در این مورد، در عشق پدر، نگه داریم.

ما باید با اشتیاق منتظر رحمت خدا برای حیات جاودان باشیم، که در این مورد، خداوندمان عیسی مسیح است. یهودا بدین ترتیب الوهیت پدر، پسر و روح القدس را تعلیم می‌دهد. در درس بعدی خود، مطالعه خدا، تثلیث مقدس، پدر، پسر و روح القدس را آغاز خواهیم کرد.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه، یا خدا. این جلسه دوم، کاوش‌های کتاب مقدس است.